

گفت و گویی متفاوت با دکتر ابراهیم فیاض پیرامون ماهیت جریان مشروطه (۱)

مشروطه انگلیسی در قالب جریان روشنفکری دینی در حال بازتولید است

۷ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۳۹

زمانی که برای مصاحبه پیرامون جنبش مشروطه با دکتر فیاض استاد صاحب نام دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران تماس گرفتم، ایشان بیان کردند مانعی برای مصاحبه نیست اما حرفهایشان با حرفهای معمول پیرامون این ماجرا متفاوت خواهد بود. مساله ای که هنگام انجام مصاحبه وقتی گام به گام و سوال به سوال پیش می رفتیم کاملاً برایم روشن شد. از این جهت مصاحبه ای خواندنی پیش رو خواهید داشت از صحبت پیرامون انحراف مشروطه تا بحثهایی پیرامون ادامه یافتن آن و تاثیرات آن در وقایع معاصر مثل اتفاقاتی که در سال ۸۸ به وقوع پیوست.

*آقای دکتر، به عنوان سوال اول؛ با توجه به نگاه جامعه شناختی شما به ماجرای مشروطه، تحلیل شما از چرایی اتفاق افتادن مشروطه، زمینه ها و پیامدهای آن چیست؟

ما حکومتی به اسم صفویه داشتیم که پیدایش و تاسیس آن هم زمان با تحولات غرب است. یعنی اول قرن شانزده میلادی صفویه به وجود میاید که به نوعی همزمان با رنسانس در اروپاست. صفویه حاصل دوران صوفیسم، مغول و تیموریان است و به نوعی متأثر از اندیشه های شیخ اشراق و تاثیر آن بر تصوف که رنگ و بوی شیعی هم میگیرد و با تغییر و تحولاتی منجر به شکل گیری یک نظام سیاسی میشود و بحث شیعی گری صفویه در مقابل سنی گری عثمانی شکل میگیرد که در قالب اخباریها میبینیم که در واقع ناشی از تجربه گرایی غرب است که بعد از رنسانس شکل میگیرد و معادل همان ناتورالیسم هست و ورودش به ایران منجر به شکل گیری اخباریگری میشود و ما باید این مطالعه تطبیقی را داشته باشیم و این کار را در واقع آیت الله بروجردی هم انجام میدهند. و بعد از آن زمانی که تجربه گرایی در غرب شکست میخورد و دوره عقل گرایی با دکارت و کانت ظهور میکند با زمان فتحعلی شاه در ایران مصادف است که اخباریگری شکست میخورد و اصول گرایی پیروز میشود که این نیز متأثر از همان عقل گرایی غرب هست و با فعالیتهای مرحوم محقق بهبهانی شاهدش هستیم. بعداً همین اصولیها، بزرگترین مبنای مشروطه را میگذارند و بعد درونی آن را ایجاد میکنند و در واقع طرفدار مشروطه میشوند مثل امثال مرحوم نایینی و مرحوم خراسانی که از اصولیها و طرفداران مشروطه بودند و در مقابل آنها فقهایی هستند که مشروطه را قبول نمیکنند. که این مساله بعد داخلی زمینه های مشروطه بود.

*و به نظر شما عامل بیرونی آن چه بود؟

عامل بیرونی آن بحث انگلستان هست که از همان زمان به دنبال نفوذ به شرق بود و با تاسیس کمپانی هند شرقی و برای دسترسی به منابع عظیم تجارت در هند مبنا را بر این داشت که هر طور شده هند را اشغال کند و مهم ترین مانع آنها روسها بودند. بنا بر این آنها به دنبال کاهش نقش روسیه در ایران بودند به همین جهت سعی میکنند با همین هدف ماجرای مشروطه را شکل بدهند. همانطور که مرحوم جلال آل احمد به درستی اشاره کرده بود مشروطه از دیگ پلوی سفارت انگلیس درآمد. منظور ایشان از این تعبیر غذای هیات عزاداری سفارت انگلیس هست. به عبارت دیگر ایشان می خواهند بگویند انگلستان آنقدر در هر زمینه ای اعم از نظامی و فرهنگی نفوذ پیدا کرده بود که حتی هیات عزاداری برای امام حسین برگزار میکرد. مرحوم جلال می خواهد بگوید از دل همین دیگ پلوی سفارت انگلیس مشروطه در آمد. جالب است بدانید منبری مشهور این هیات انگلیسی هم محمد علی طباطبایی یزدی پدر همین سیدضیا طباطبایی بود که بعدها نقشهای زیادی ایفا کرد. در اینجا ما با نقش پررنگ بازاریها نیز رو به رو هستیم. بازاریهایی که به لحاظ اقتصادی به انگلیس وابسته بودند خصوصا در بخش پارچه و نساجی چون اقتصاد انگلیس به نوعی اقتصاد نساجی بود که در قضیه پارچه فاستونی حتی تا امروز هم این وابستگی را شاهد هستیم. آن موقع این بازاریها به محض این که از سوی دولت مورد فشار واقع میشدند سریعا به سفارت انگلیس پناه میبردند. از همین جاها ماجرای مشروطه شروع میشود و میبینیم که انگلیس به دنبال این هست که از این طریق یک وابستگی ساختاری ایجاد کند. این ماجرا ابتدا و ظاهرا با بحث عدالت و عدالتخانه شروع شد اما به مرور انگلیسی ها ماجرا را از عدالتخواهی به آزادی خواهی تبدیل کردند. علما هم چون مبنای شرعی ورودشان به سیاست عدالت بود در این ماجرا در ابتدا وارد شدند اما ماجرا اوج گرفت و انگلیسیها بحث را به آزادی خواهی تغییر دادند. این همان چیزی ست که تحت عنوان انحراف مشروطه مطرح میشود که در واقع عدالتخواهی اولیه مردم تبدیل به آزادی خواهی یا به نوعی لیبرالیسم شد. که این یک ساختار برنامه ریزی شده دقیق بود که مثلا بحث بهایی ها را در این ماجراها شاهد هستیم که جریاناتی مثل همین بهایی ها، بهودیها و خصوصا ارمنی ها در انحراف مشروطه نقشهای اساسی ایفا کردن. در مقابل میبینیم که فقها در این قصه ورود کردند و مقاومت کردند که از فقهای نجف مثل سید کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی بزرگترین کتاب کلاسیک فقه شیعه بگیرید تا تهران مثل مرحوم شیخ فضل الله نوری که توسط یک آخوند انگلیسی فراماسونر به تمام معنا یعنی شیخ ابراهیم زنجانی محاکمه و اعدام شد.

پس عامل بیرونی این ماجرا همین بحث تلاش انگلستان برای هموار کردن راه دستیابی به هند و کمرنگ کردن نقش روسیه بود که مشروطه در واقع این خدمت را به آنها کرد. که البته حالا قبل از این باید نقش کسانی مثل سید جمال الدین اسدآبادی را هم در ماجرای مشروطه دید. سید جمال الدین اسدآبادی اساسا به دنبال هموار کردن راه نفوذ انگلیس به کشورهای مهم منطقه مثل ایران، عثمانی و مصر از طریق بحث مشروطه است چون خود او هم عضو لژ فراماسونری ست و بحث او به این سادگی که بعضیها مطرح میکنند نیست و می بینیم که در همه کشورهایی که انگلیس میخواست نفوذ کند او نفوذ داشته است، مثل ایران، عثمانی، مصر، هند و افغانستان. او با شعار آزادی خواهی و شعارهای قشنگی مثل دموکراسی وارد این کشورها می شد اما به دنبال پیگیری اهداف انگلستان بود. پس اساسا یکی از مقدمات مشروطه را باید بحث سید جمال و فراماسونر بودن او بگیریم. حتی قصه ی کشتن ناصرالدین شاه هم همین است یعنی بحث هموار کردن راه نفوذ استعمار انگلیسی یعنی به عنوان یک مبنای تئوریک این دوگانه ها را همواره برای ما ایجاد میکنند که مثلا یا باید طرفدار استبداد باشی یا آزادیو آزادی چیست؟! همان آمریکا و انگلیس! که این را در مشروطه هم ایجاد کردند که مستبدی هستی یا مشروطه ای؟! که هر کسی را اگر مستبدی بود میکشند که

در واقع شیخ فضل الله نوری را هم با همین توجیه کشتند. در واقع این مبنای تئوریک را تولید کردند که از استبداد قاجاری بیفتیم در مشروطه انگلیسی.

ادامه دارد . . .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۷۲۶/بازتولید-حال-دینی-روشنفکر-جریان-قال-انگلیسی-مشروطه>